معنی لغات جدید درس چهاردهم

مشک : ماده ای روغنی که بسیار معطر و خوش بو است. طبله : صندوقچه عطّار : عطرفروش

اندوخت : جمع کرد ، گردآوری کرد آموخت : یاد داد ، یاد گرفت غازی : جنگجو

قاضی : داور پرهیز کردن : دوری کردن ، خودداری کردن از انجام کاری

طبل غازی : طبلی که در پیشاپیش لشکر به صدا در می آید ، طبل جنگی

واژگان هم خانواده

(رنج – رنجور– رنجیده) (عطّار – عطر – معطّر) (ادب – مودب – ادیب – آداب)

(طلب – طالب – مطلوب) (عالم – علم – علوم – معلوم) (عمل – عملیّات)

واژگان متضاد

نادان = دانا عالم = جاهل بی ادب = با ادب بلند آواز = خاموش